

تأثیر ساختار درآمدی بر ریسک عدم پرداخت بدهی در شبکه بانکی کشور

مریم حسین زاده^۱

ابوالحسن خداداد پور^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۰ تاریخ چاپ: ۱۴۰۰/۱۱/۱۱

چکیده

ساختار درآمدهای بانکی یکی از مؤلفه های مهم در ریسک بانکها است. این پژوهش در پی آن است که مشخص کند که ساختار درآمدهای بانکی به عنوان متغیر اصلی مستقل چه تأثیری می تواند در کاهش یا افزایش ریسک عدم پرداخت بدهی در بانکهای کشور داشته باشند. لذا این پژوهش با استفاده از مدل داده های تایلویی به تخمین اثرات خطی و غیر خطی ساختار درآمدهای بانکی بر ریسک عدم پرداخت بدهی بانکهای کشور طی دوره زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ پرداخته است. نتایج برآورد نشان می دهند که میان درآمدهای مشاع با ریسک عدم پرداخت بدهی بانکها فقط ارتباط خطی وجود دارد اما میان درآمدهای غیر مشاع با ریسک عدم پرداخت بدهی بانکها ارتباط خطی و غیر خطی برقرار است.

واژگان کلیدی

درآمدهای مشاع، درآمدهای غیر مشاع، مدل پانل دیتا، ریسک عدم پرداخت بدهی

^۱ دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان.

^۲ دکتری مدیریت بیمه، دانشگاه تجارت و مهندسی لندن. (Mhs2620@yahoo.com)

۱. مقدمه

با توجه به تغییرات مداوم در عوامل محیطی و سیستم های اقتصادی، هر روزه ریسک های متفاوتی بر ساختار مالی بانکها و موسسات اثر می گذارد. در این میان اعطای تسهیلات، فعالیت اصلی اکثر بانک ها را تشکیل می دهد. اعطای تسهیلات مستلزم آن است که بانک ها درباره توان باز پرداخت متقاضیان وام، اظهارنظر نمایند؛ بنابراین یکی از ریسک های عمده ای که بانک ها با آن مواجه هستند ریسک عدم پرداخت بدهی می باشد. این ریسک نه تنها انواع وام را در بر می گیرد بلکه شامل سایر مقادیر در معرض ریسک قرار دارند. بر پایه مدل سیکل های تجاری، ریسک عدم پرداخت بدهی بانک ها در دوران رونق کاهش و در دوران رکود افزایش می یابد، زیرا در مرحله رونق با افزایش درآمد کل و تولید، خانوارها از جریان درآمدی کافی برای تأمین بازپرداخت تسهیلات برخوردارند. همچنین، بانک ها در شرایط رونق به دلیل افزایش درآمدهای خود تسهیلات بیشتری در اختیار مشتریان قرار می دهند و قرض گیرندگان می توانند با گرفتن تسهیلات جدید، تسهیلات قبلی خود را بازپرداخت کنند. بر این اساس در این مقاله سعی شده است که ارتباط بین ساختار درآمد بر ریسک عدم بازپرداخت بدهی در بانک های کشور مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا پس از مقدمه، در بخش دوم، ادبیات موضوع ارائه می گردد؛ بخش سوم به روش تحقیق اختصاص یافته است. در بخش چهارم، یافته های تحقیق و برآورد مدل شرح داده شده و در پایان نتیجه گیری و پیشنهاد های مقاله ارائه می گردد.

۲. مبانی نظری

از دیدگاه شهودی، تنوع منابع درآمدی می تواند موجب ثبات و پایداری درآمد عملیاتی و خلق یک جریان سودآوری جدید باشد؛ زیرا مؤسسات مالی و بانک ها برای تجهیز منابع مالی نیاز به تغییرات اساسی در محصولات و خدمات خود دارند و با خدمات ساده و ساختار سنتی بانکداری واسطه گری نمی توانند در عرصه های جهانی به تجهیز منابع بپردازند.

بیٹی^۱ (۲۰۱۲) استدلال می کند که مدیریت درآمدها بانکها و ایجاد ساختارهای درآمدی به منظور بهبود عملکرد و سودآوری در راستای ایجاد منابع درآمدی غیر بهره ای یکی از مهمترین جنبه های مدیریت درآمدهای بانکی و مدیریت دارایی-بدهی آنها می باشد. درآمدهای غیر بهره ای عمدتاً از محل سرمایه گذاری های بانک صورت می پذیرد که می تواند در حوزه های مختلف اقتصادی فعال باشد. این مسئله علاوه بر ایجاد درآمد برای بانک می تواند بر رشد و توسعه اقتصادی نیز کمک نماید. همچنین الام و تانگ^۲ (۲۰۱۲) اشاره می کنند که سودآوری و بهبود عملکرد بانکها که میتواند هدایت گر کل اقتصاد باشد از طریق بکارگیری مناسب منابع در اختیار این بانکها و سرمایه گذاری و یا تأمین مالی مناسب بوجود آید. این عوامل می تواند تحت تأثیر فرآیندهای داخلی و در اختیار مدیریت و همچنین وضعیت

¹. Biety

². Alam & Tang

کلان اقتصادی و عوامل خارجی باشد که مدیریت می بایست رویکرد بانک را متناسب با آن پیش برد لذا شیوه کسب درآمد از منابع موجود در بانکها نشان دهنده چگونگی مدیریت بانک و بهبود کارایی آنها می باشد.

بررسی ساختار درآمد و هزینه بانک می تواند تحلیل مناسبی از سودآوری بانکها بیان نماید. در واقع بررسی درآمدها و هزینه های بانک به تحلیلگران بانکی این توان را می دهد تا کیفیت و ثبات درآمد بانک را تعیین نمایند. در تحلیل ارقام سود و زیان، مقایسه ترکیب انواع دارایی ها با ترکیب درآمد بانک نحوه به کارگیری دارایی های بانک را بیان میکند و روشن می کند، آیا درآمد ایجاد شده با منابع تخصیص داده شده متناسب است یا خیر؟ آیا داراییها در فعالیتهایی که بیشترین درآمد را دارند به کار گرفته شدهاند یا خیر؟ از سوی دیگر تحلیل مقایسه ای بین درآمدهای بهره ای بانک و گروه بدهی های مرتبط با آن منابع تأمین مالی بانک را مشخص میکند و تغییرات ساختاری احتمالی بوجود آمده در اینگونه منابع تأمین مالی را آشکار می سازد. در این تحلیل گروههای تأمین مالی گران قیمت به روشنی مشخص میشود و دلیل تصمیم گیریهای تأمین مالی خاص مستلزم توضیح بیشتری است (مقدم، ۱۳۹۲).

این نحوه تحلیل در بلندمدت می تواند مشخص کند که چرا و چگونه تغییرات ساختاری در ساختار درآمد و هزینه های بانک ایجاد می شود و آیا این تغییرات به لحاظ سودآوری بانک قابل توجیه است یا خیر؛ و همچنین این تأمین منابع مالی از طریق سپرده های دریافتی و یا ایجاد منابع مختلف درآمدی تا چه اندازه می تواند بر عملکرد و کارایی بانک تاثیر بگذارد. در واقع تحلیل، مدیریت و هدایت ساختارهای درآمد و همچنین هزینه مهمترین عامل در مدیریت صحیح بانک بوده که می تواند شیوه مدیریت نقدینگی و ریسک بانکها را نیز تسهیل بخشد.

تغییرات ساختاری در سیستم بانکی و گسترده‌گی راه‌های تأمین مالی دیگر برای بنگاه‌ها موجب شده است تا بانک‌ها به صورت پیوسته در جستجوی سایر راه‌های سودآوری در کنار ارائه تسهیلات باشند. از دیدگاه نظری، بانک‌ها می‌توانند از صرفه‌های مقیاس وقتی که کانال درآمدزایی خود را گسترش می‌دهند، منتفع گردند. بانک‌ها می‌توانند در کنار ارائه خدمات وام‌دهی به مشتریان با ارائه خدمات مالی دیگر و بهره‌گیری از اطلاعات مشتریان باعث کارآتر شدن و سودآوری بیشتر بانک گردند. منطق گویای این مطلب این است که بانک‌ها می‌توانند با چند کاناله کردن درآمدزایی خود و یا با انتقال درآمدزایی خود از خدمات تسهیلاتی (دارای بهره) به خدمات غیرتسهیلاتی (مانند سایر خدمات مالی دارای درآمد برای بانک و بی‌تأثیر از نرخ‌های بهره) باعث کاهش ریسک کلی بانک گردند (هیدایت و همکاران^۱، ۲۰۱۲).

۳. مطالعات انجام شده

یافته‌های تجربی در ادبیات تجربی تحقیق مبهم و مختلف هستند که چند مورد از مطالعات خارجی و داخلی صورت گرفته به صورت زیر می باشد:

¹. Hidayat, et al

گراسا^۱ (۲۰۱۶) به بررسی ساختار مالکیت، ساختار سپرده، ساختار درآمد و ریسک ورشکستگی در بانک های اسلامی شورای همکاری خلیج فارس پرداخت. یافته ها نشان داد که ساختار درآمد تحت تأثیر ریسک ورشکستگی باتوجه به تمرکز مالکیت قرار می گیرد زیرا ساختار سپرده ها و سهامداران عمده تحت تأثیر تصمیم های استراتژیکی قرار دارند. اشرف و همکاران^۲ (۲۰۱۶) تأثیر شکندگی مالی بانک ها، ساختار مالکیت و تنوع درآمد. شواهد تجربی از منطقه شورای همکاری های خلیج فارس بررسی کردند. نتایج نشان دادند که هر چه تمرکز در مالکیت، فارغ از نوع سهامداری، بالاتر باشد، ریسک عدم توانایی پرداخت دیون (ورشکستگی) همبستگی بالاتری وجود دارد.

اکپو و پالوند^۳ (۲۰۱۶) نیز به بررسی تأثیر توانایی تامین بدهی بر سودآوری بانک های انگلستان پرداختند. آنها این توانایی را بر اقتصاد نیز بررسی نمودند. تایج نشان داد که توانایی اعطای تسهیلات تأثیر معنی داری بر سودآوری بانکها دارد. همچنین این عامل نشان دهنده وجود تفاوت در عملکرد بانکها می باشد.

اوسی و اسینسو^۴ (۲۰۱۵) در تحقیقی به بررسی سرمایه قانونی بر بر رشد اعتبار، مطالبات معوق و کارایی بانکها پرداختند. آنها برای تحقیق خود بانکهای اسپانیایی را برای دوره بین ۲۰۰۲ لغایت ۲۰۱۲ بررسی نمودند. نتایج مشخص نمود که ارتباط مثبت و معنی داری بین کمتری سرمایه قانونی و حاشیه سود بانک وجود دارد.

احمدی و همکاران (۱۳۹۵) طی تحقیقی به بررسی تأثیر ریسک اعتباری بر عملکرد نظام بانکی ایران: مطالعه بین بانکی با رویکرد پنل وار^۵ پرداختند. نتایج نشان داد تکانه ای به اندازه یک انحراف معیار در ریسک اعتباری منجر می شود نقدینگی بانک ها، بازده دارایی ها و سودآوری بانک ها کاهش یابد. در تحقیقی که ایروانی و همکاران، (۱۳۹۴) جهت بررسی رابطه متنوع سازی پرتفوی و نوسان درآمد در بانکهای تجاری ایران (خصوصی و دولتی)، پرداختند. نتایج حاصله از تخمین مدل اقتصاد سنجی داده های ترکیبی حاکی از آن است که ایجاد تنوع در بخش های اقتصادی دریافت کننده تسهیلات بانکی سبب کاهش بازدهی دارائی آنها می گردد لذا بانک ها با تمرکز بر اعطای تسهیلات به تعداد کمتری از بخش های اقتصادی می توانند بازدهی خود را افزایش دهند.

حاجیه و فیض آبادی (۱۳۹۲) طی تحقیقی به رابطه بین نسبت های نقدینگی و سودآوری و توان پرداخت تعهدات پرداختند. برای انجام این تحقیق با استفاده از نمونه گیری تصادفی تعداد ۱۷۸ شرکت انتخاب شده است. با استفاده از تحلیل رگرسیون ترکیبی با اثرات ثابت و تصادفی فرضیه های تحقیق بررسی و مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج نشان می دهد که چرخه تبدیل وجه نقد با نسبت حاشیه سود خالص رابطه معنادار دارد و با نسبت های بازده حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی ها و نسبت های بدهی رابطه معنادار ندارند.

¹. Grassa

². Ashraf., et al

³. Ekpu & Paloni

⁴. Osei-Assibey & Asenso

⁵. Panel Var

۴. الگوی تحقیق

ریسک عدم پرداخت بدهی به عنوان جزئی مهم از ریسک های اصلی در صورت مالی بانک ها است که تحت تاثیر عوامل متعددی که از جمله درآمدهای مختلف قرار می گیرد. لذا در این بخش به معرفی مدل تحقیق و متغیرهای مستقل و وابسته در آن می پردازیم. در این پژوهش درآمدهای مشاع، درآمدهای غیر مشاع، اندازه بانک، نسبت سرمایه، بازده دارایی، نسبت کل درآمد به کل دارایی و تولید ناخالص داخلی به عنوان متغیرهای مستقل هستند. متغیر وابسته پژوهشی نیز ریسک عدم پرداخت بدهی می باشد. با استفاده از مطالعات گراسا (۲۰۱۶) می توان به دو مدل تحقیق را به صورت های خطی و غیر خطی در نظر گرفت:

$$RISK_{it} = \beta_0 + \beta_1 PIS - income_{it} + \beta_2 PIS - income^2_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 EQA_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 MKT - POWER_{it} + \beta_7 GDP_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

$$RISK_{it} = \beta_0 + \beta_1 NONPIS - income_{it} + \beta_2 NONPIS - income^2_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 EQA_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 MKT - POWER_{it} + \beta_7 GDP_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

RISK: ریسک عدم پرداخت بدهی

PIS-INCOME: درآمد های مشاع

SIZE: اندازه بانک

EQA: نسبت سرمایه

ROA: بازده دارایی

MKT-POWER: نسبت کل درآمد به کل دارایی

GDP: تولید ناخالص داخلی

NONPIS- INCOME: درآمدهای غیر مشاع

۵. یافته های تحقیق

به دلیل دوره کوتاه مدت ۵ ساله این تحقیق، در داده های تابلویی بررسی ایستایی یا مانایی متغیرها ضرورت ندارد؛ بنابراین با توجه به بازه زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷، نامانایی در داده های تابلویی به دلیل دوره کوتاه مدت وجود ندارد. در آزمون اف لیمر فرضیه صفر دلالت بر وجود مدل تلفیقی دارد اما فرضیه مقابل مبنی بر وجود مدل تابلویی می باشد. بنا بر فرضیات آزمون اف لیمر، آماره این آزمون به صورت زیر ارائه می گردد:

جدول (۱): نتایج آزمون اف لیمر

الگوی تحقیق	آماره آزمون اف لیمر	احتمال
مدل اول	۷,۵۷	۰,۰۰۰۰
مدل دوم	۶,۸۵	۰,۰۰۰۰

منبع: یافته های تحقیق

با توجه به جدول (۱)، فرضیه صفر آزمون F لیمر در سطح خطای کمتر از یک درصد مبنی بر تلفیقی بودن داده ها در هر دو معادلات را رد می کند. این نتیجه دال بر انتخاب برازش الگو به روش داده های تابلویی است. پس فرضیه صفر مبنی بر تلفیقی بودن مدل تحقیق رد می شود و مدل مدنظر از نوع مدل پانل دیتا می باشد. پس از تشخیص پانلی بودن مدل، باید وجود اثرات ثابت یا تصادفی در مدل تحقیق اثبات شود؛ بنابراین با استفاده از آزمون هاسمن می توان به وجود ثابت یا تصادفی بودن اثرات پی برد؛ بنابراین فرضیه صفر آزمون هاسمن دال بر وجود اثرات تصادفی است. نتایج برآورد آزمون هاسمن به صورت زیر ارائه می گردد:

جدول (۲): نتایج آزمون هاسمن

الگوی تحقیق	آماره آزمون هاسمن	احتمال
مدل اول	۱۰,۶۱	۰,۱۵۶۲
مدل دوم	۱۹,۳۴	۰,۱۰۷۵

منبع: یافته های تحقیق

با توجه به جدول (۲)، فرضیه صفر آزمون هاسمن در سطح خطای کمتر از یک درصد مبنی بر تصادفی بودن اثرات در مدل پانلی در هر دو معادلات تایید می شود و فرضیه مقابل دال بر وجود اثرات ثابت در مدل تحقیق رد می گردد؛ بنابراین مدل تحقیق دارای اثرات تصادفی است که در طول زمان تغییری می کند. به منظور تعیین وجود یا عدم وجود وابستگی مقطعی میان پسماندها می توان از آزمون وابستگی مقطعی در این تحقیق استفاده کرد. در جدول (۳) نتایج آزمون های ناهمسانی واریانس و آزمون استقلال پسران آورده شده است:

جدول (۳): نتایج آزمون وابستگی مقطعی و ناهمسانی واریانس

الگوی تحقیق	آماره آزمون بروش		آماره آزمون استقلال	احتمال
	پاگان	پسران		
مدل اول	۲۵۴,۹۵	۴,۷۹		۰,۰۰۰۰
مدل دوم	۳۰۸,۷۳	۷,۸۷		۰,۰۰۰۰

منبع: یافته های تحقیق

نتایج برآورد در جدول (۳) نشان می دهد که فرضیه صفر آزمون بروش پاگان مبنی بر وجود همسانی واریانس در هر دو معادلات رد می شود و مدل تحقیق دچار ناهمسانی واریانس می باشد و همچنین فرضیه صفر آزمون استقلال پسران مبنی بر وجود عدم وابستگی مقطعی میان پسماندها در هر دو معادلات رد می شود و میان پسماندهای مدل تحقیق وابستگی مقطعی وجود دارد.

با توجه به نتایج فوق و وجود واریانس ناهمسانی و وابستگی مقطعی می توان از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS)^۱ برای برآورد ضرایب الگو استفاده کرد؛ بنابراین روش GLS نسبت به روش حداقل مربعات معمولی مرتبه بزرگی آماره F را بیشتر نشان می دهد؛ به عبارت دیگر، واریانس نسبت واکنش پذیری تخمین زده شده با روش GLS چند برابر کمتر خواهد بود. همچنین در این روش محدوده اطمینان ۹۵ درصد برای شکل های خطی مختلف مدل واحد انتهایی کاهش می یابد؛ بنابراین به دلیل رفع واریانس ناهمسانی و خود همبستگی با استفاده از روش GLS، برای برآورد و تخمین بهتر الگو از این روش استفاده شده است.

نتایج حاصل از برآورد روابط خطی و غیر خطی میان درآمد های مشاع و ریسک عدم بازپرداخت بدهی در شبکه بانکی کشور در جدول (۴) قابل مشاهده می باشد:

جدول (۴): نتایج برآورد مدل اول با استفاده از روش GLS

متغیرهای توضیحی	ضرایب	مقدار آماره t	احتمال
عرض از مبدأ	۱۶,۴۰	۵,۷۳*	۰,۰۰۰۰
درآمد های مشاع (PIS-INCOME)	-۰,۵۸	-۱,۹۳*	۰,۰۰۷۲
توان دوم درآمدهای مشاع (PIS-INCOME ^۲)	۰,۰۱۶	۱,۶۷	۰,۰۹۸۵
اندازه بانکی (SIZE)	-۱,۱۷	-۱۶,۹۰*	۰,۰۰۰۰
نسبت سرمایه (EQA)	$۲,۴۰e^{-۸}$	۳۶,۹۴*	۰,۰۰۰۰
بازده دارایی (ROA)	۰,۲۲	۶۲,۴۱*	۰,۰۰۴۰
نسبت کل درآمد به کل دارایی (MKT-POWER)	۰,۰۰۵	۲,۹۲*	۰,۰۰۴۷
تولید ناخالص داخلی (GDP)	$-۸,۵۸e^{-۱۱}$	-۳۶,۹۴*	۰,۰۰۰۰

*دال بر معنی دار بودن ضرایب در سطح احتمال ۱٪ و کمتر است.

منبع: یافته های تحقیق

همان طور که در جدول (۴) مشاهده می گردد، روابط خطی میان درآمد های مشاع و ریسک عدم پرداخت بدهی معنادار بوده اما روابط غیر خطی میان درآمد های مشاع و ریسک عدم پرداخت بدهی در سطح یک درصد و کمتر از آن معنادار نبوده است؛ بنابراین مطابق بر نتایج جدول (۴)، میان درآمدهای مشاع و ریسک عدم پرداخت بدهی در شبکه

^۱. Feasible Generalized Least Squares

بانکی کشور طی دوره زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ فقط رابطه ای خطی وجود دارد که درآمد های مشاع بر ریسک عدم پرداخت بدهی تأثیر منفی و معناداری دارد. همچنین اندازه بانکی و تولید ناخالص داخلی اثرات منفی و معناداری بر ریسک عدم پرداخت بدهی دارند. این نشان می دهد هر چه درآمد ها و اندازه بانک ها افزایش یابند، مطالبات معوق بانکی سریعتر پرداخت شده و بر ریسک عدم پرداخت بدهی می کاهد؛ بنابراین میان درآمد ها و اندازه بانکی با ریسک عدم پرداخت بدهی رابطه ای معکوس برقرار است. متغیرهای بازده دارایی، نسبت سرمایه و نسبت کل درآمد به کل دارایی اثر مثبت و معناداری بر ریسک عدم پرداخت بدهی دارند. این نشان می دهد که بانک ها در بخش های غیرمولد سرمایه گذاری می کنند که ممکن است با زیان همراه باشد که با افزایش سرمایه گذاری در این بخش ها، مطالبات و بدهی های بانکی افزایش می یابد که باعث افزایش ریسک عدم پرداخت بدهی خواهد شد. همچنین نتایج حاصل از برآورد روابط خطی و غیر خطی میان درآمد های غیر مشاع و ریسک عدم بازپرداخت بدهی در شبکه بانکی کشور در جدول (۵) قابل مشاهده می باشد. با توجه به نتایج تخمین معادله، میان درآمدهای غیر مشاع و ریسک عدم پرداخت بدهی روابط خطی و غیر خطی برقرار است و همچنین متغیرهای توضیحی تأثیر معناداری بر ریسک عدم پرداخت بدهی در شبکه بانکی کشور دارند:

جدول (۵): نتایج برآورد مدل دوم با استفاده از روش GLS

متغیرهای توضیحی	ضرایب	مقدار آماره t	احتمال
عرض از مبدأ	۲۰,۵۶	۸,۵۹*	۰,۰۰۰۰
درآمد های غیر مشاع (PIS-INCOME)	-۱,۰۳۳	-۴,۳۷*	۰,۰۰۰۰
توان دوم درآمدهای غیر مشاع (PIS-INCOME ²)	۰,۰۳۱	۴,۵۵*	۰,۰۰۰۰
اندازه بانکی (SIZE)	-۱,۳۳	-۲۰,۲۶*	۰,۰۰۰۰
نسبت سرمایه (EQA)	۲,۳۲e ^{-۸}	۸۶,۵۱*	۰,۰۰۰۰
بازده دارایی (ROA)	۰,۲۲	۳۷,۲۸*	۰,۰۰۰۰
نسبت کل درآمد به کل دارایی (MKT-POWER)	۰,۰۰۱	۱,۲۵*	۰,۰۰۲۱
تولید ناخالص داخلی (GDP)	-۶,۳۷e ^{-۱۱}	-۳,۴۶*	۰,۰۰۱۰

*دال بر معنی دار بودن ضرایب در سطح احتمال ۱٪ و کمتر است.

منبع: یافته های تحقیق

همان طور که مشاهده می گردد، میان درآمد های غیرمشاع و ریسک عدم پرداخت بدهی وجود دارد که ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. به عبارتی با افزایش درآمد های غیر مشاع انتظار می رود بر ریسک عدم پرداخت بدهی بکاهد. همچنین با افزایش تولید ناخالص داخلی و اندازه بانکی، مطالبات معوق بانکی کاهش یافته و باعث کاهش ریسک عدم پرداخت بدهی می گردد؛ اما با افزایش بازده دارایی، نسبت سرمایه و نسبت کل درآمد به کل دارایی؛ مطالبات و بدهی های بانکی افزایش می یابد که همان طور قبلاً گفته شد به دلیل سرمایه گذاری در بخش های غیر مولد و زیان آور بوده که افزایش ریسک عدم پرداخت بدهی را به همراه دارد. پس به طور کلی می توان گفت ساختار درآمدها تاثیر منفی و معناداری بر ریسک عدم پرداخت بدهی در شبکه بانکی کشور طی دوره ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ دارد و میان درآمد های غیر مشاع و ریسک عدم پرداخت بانکی رابطه ای غیر خطی نیز برقرار است. همچنین متغیرهای اندازه بانکی و تولید ناخالص داخلی ارتباط منفی و معناداری بر ریسک عدم پرداخت بدهی دارند اما متغیرهای بازده دارایی، نسبت سرمایه و نسبت کل درآمد به کل دارایی تاثیر مثبت و معناداری بر ریسک عدم پرداخت بدهی در شبکه بانکی کشور دارند.

۶. نتیجه گیری

به طور کلی متغیر های درآمد های مشاع و غیر مشاع اثر منفی و معناداری بر ریسک عدم پرداخت بدهی خواهند داشت و فرضیه های تحقیق مبنی بر تاثیر گذاری معنادار درآمد های مشاع و غیر مشاع بر ریسک عدم پرداخت بدهی مورد تایید قرار می گیرد. همچنین روابط خطی و غیر خطی میان درآمد های غیر مشاع با ریسک عدم پرداخت بدهی در شبکه بانکی کشور وجود دارد اما تنها روابط خطی میان درآمد های مشاع با ریسک عدم پرداخت بدهی وجود دارد؛ زیرا درآمد های مشاع نوعی درآمدهای بهره ای در شبکه بانکی کشور محسوب می شود و ممکن است با افزایش بیش از حد درآمد های بهره ای بانک را به ورشکستگی بکشاند اما درآمد های غیر مشاع جزء درآمد های پر بازده شبکه بانکی محسوب می شود و هیچ گونه اثرات سویی بر سودآوری بانک نمی گذارد. از این رو پیشنهاد می گردد، تلاش در جهت اصلاح ساختار شبکه بانکی کشور، رفع بوروکراسی، سیاست زدایی از نظام بانکی و فراهم کردن زمینه مشارکت فعال بانکداری، موجبات کنترل فساد در جامعه را فراهم می آورد و همچنین شبکه بانکی کشور به جای یک برنامه یا هدف منفرد و مقطعی که الزاماً در زمانی پایان می پذیرد، باید به عنوان یک خط مشی بلند مدت در نظر گرفته شود. لذا در تعیین آنچه باید با محوریت بانکداری سالم تغییر یابد، لازم است همه افراد درگیر شوند. راهبری گذر از بانکداری سنتی به بانکداری نوین باید صورت گیرد.

منابع

۱. احمدی، علی؛ احمدی جشفقانی، حسین علی و اصغر، ابوالحسنی هستیانی. (۱۳۹۵)، "تأثیر ریسک اعتباری بر عملکرد نظام بانکی ایران: مطالعه بین بانکی با رویکرد PANEL VAR"، فصلنامه اقتصادی مالی و توسعه، دوره ۱۰، شماره ۳۴، بهار، صص ۱۳۱-۱۵۲.

۲. ایروانی، محمدجواد؛ رضا تهرانی؛ مهدی نجفی و علی احمدی، ۱۳۹۴، بررسی رابطه متنوع سازی پرتفوی و نوسان درآمد در بانکهای تجاری ایران (خصوصی و دولتی)، کنفرانس بین المللی مدیریت و علوم انسانی، امارات-دبی.

۳. حاجیها، زهره و فیض آبادی، فرشته. (۱۳۹۲)، "رابطه بین نسبت های نقدینگی و سودآوری و توان پرداخت تعهدات"، پژوهشهای حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۵، شماره ۱۹، پائیز، صص ۱۲۷-۱۵۱.

۴. مقدم، مرتضی. (۱۳۹۲)، "مدیریت دارایی ها و بدهی ها و نقش آن در تدوین استراتژی های بهینه تصمیم گیری در بانک"، پیام آینده، شماره ۱، آذر، صص ۳۸-۴۲.

5. Alam, N., And Tang, K.B., (2012): "Risk-Taking Behaviour Of Islamic Banks: Application Ofprospect Theory", Qualitative Research In Financial Markets, Vol. 4, No. 2/3, Pp.156 – 164.
6. Ashraf.D, Ramady.M And Albinali. K, (2016), "Financial Fragility Of Banks, Ownership Structure And Income Diversification: Empirical Evidence From The GCC Region", Research In International Business And Finance, Vol 38, Eptember, Pp56-68.
7. Biety, Monie, (2012), "An Introduction To Liquidity And Asset Management", World Council Of Credit Union.
8. Ekpu,V. Alberto Paloni, (2016) "Business Lending And Bank Profitability In The UK", Studies In Economics And Finance, Vol. 33 Iss: 2, Pp.302 – 319.
9. Grassa, R (2016) "Ownership Structure, Deposits Structure, Income Structure And Insolvency Risk In GCC Islamic Banks", Journal Of Islamic Accounting And Business Research, Vol. 7 Iss: 2 Pp. 124-139.
10. Hidayat. Y. W., & Kahinaka, M., & Miyamoto, H. (2012). Bank risk and noninterest income activities in the Indonesian banking industry.Journal of AsianEconomics, 23: 335-343.
11. Osei-Assibey,E. Joseph Kwadwo Asenso, (2015) "Regulatory Capital And Its Effect On Credit Growth, Non-Performing Loans And Bank Efficiency: Evidence From Ghana", Journal Of Financial Economic Policy, Vol. 7 Iss: 4, Pp.401 – 420.